

بهره‌گیری از اصل استخدام در توضیح «واقعیت» یا «هستی» جامعه توجهی نداشته است. همان طور که توضیح علامه در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران نشان می‌دهد، «اصل استخدام» در توضیح هستی مستقل جامعه است که به نظر استاد حمید پارسانیا، «طرح مستقل درباره موجودی به نام جامعه در آثار متفکران مسلمان، به مباحث علامه طباطبایی بازمی‌گردد» (پارسانیا، ۱۳۸۰: ۲۰۱)؛ بنابراین نمی‌توان «به طور قطع» مدعی شد که در نظر علامه طباطبایی «عدالت امری ناهمساز با ذاتی بودن حسن و بایستگی عدالت است» (ص ۲۲۶)؛ زیرا توضیح علامه طباطبائی در ذیل اصل استخدام ناظر به روند صدور فعل انسانی در تحقق جامعه است نه اعتباری بودن حسن و قبح اخلاقی. علامه متذکر شده است که «پوشیده نماند که حسن نیز مانند وجود بر دو قسم است: ۱. حسنی که صفت فعل است فی نفسه و حسنی که صفت لازم و غیر مختلف فعل صادر است، چون وجوب عام. بنابراین ممکن است فعلی به حسب طبع، بد و قبیح بوده و باز از فاعل صادر شود، ولی صدورش ناچار با اعتقاد حسن صورت خواهد گرفت» (طباطبایی، ۱۳۶۶: ج ۲، ۲۰۱).

۲. فقدان توضیح هستی شناختی از جامعه، فی‌المثل بر اساس اصالت تشکیکی وجود یا مبنایی دیگر، شاید یکی از دلایل اصلی ارجاع مکرر مؤلف گران قدر در توضیح عام بودن ارزش عدالت به «ارتکاز وجدانی یا اخلاقی، خواه در تبیین نظریه مختار و خواه در فصول قبلی (ص ۴۱، ۲۲۳، ۲۲۷ و ۲۲۹) باشد.»^۴

جمع‌بندی

همان طور که اشاره شد، نحوه توضیح «هستی» جامعه، در نظریه‌های جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در علم اجتماعی است که حدود ارزشی یا معرفتی عدالت در ضمن آن قابل پیگیری است؛ به عنوان مثال، همان‌طور که الکس کالینیکوس متذکر شده است، نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی مدرن، اعم‌رو بکردهای پوزیتیویستی، انتقادی و تفهیمی یا نظریه‌های ترکیبی قرن بیستم درباره هستی جامعه با نظریه متفکران مسلمانی نظیر ابن خلدون یا فارابی تمایزی ماهوی دارند؛ زیرا در نظریه‌های مدرن و پسامدرن غربی درباره «هستی» جامعه، جامعه موجودی خودبنیاد و این‌دنیایی و تابع منطق علم مدرن است که نباید عناصر مقوم آن را با ارجاع به آموزه‌های وحیانی یا حتی متافیزیکی یونانی توضیح داد (کالینیکوس، ۱۳۷۳: ۳۳).

از این منظر، کتاب «بازاندیشی عدالت اجتماعی» گامی بسیار بلند و ارزشمند در تبیین عدالت در دوره معاصر محسوب می‌شود، اما بیشتر بازاندیشی در مبنای «فلسفی و ارزشی» عدالت است و از آنجاکه نظریه‌ای درباره هستی اجتماعی نداشته (جز توضیحاتی اندک در بعضی موارد)، به خصوص از حیث ارتباط آموزه‌های وحیانی با سازوکارهای اجتماعی به تکمیل و توضیح نیازمند است. شاید این توضیحات در پژوهش آینده مؤلف گران قدر درباره «چگونگی» بازاندیشی عدالت اجتماعی مطرح شود.^۵

پی‌نوشت

1. Postulate : دورکم در اینجا مطابق ترجمه ثاقب‌فر، در استمرار اصطلاح کانتی، از اصل موضوعه بهره برده است و در بخش‌های دیگر این کتاب، جامعه را *stui generis* معادل خودبنیاد یا آویزه (مطابق ترجمه ثاقب‌فر) می‌داند (بنگرید به: Durkheim, ۲۰۰۹: ۲۵).

2. Society.
3. Irrationalen Wirklichkeit.
4. تلاش متفکران مسلمان معاصر از علامه طباطبائی تا شهید مطهری و حجت‌الاسلام پارسانیا در توضیح هستی جامعه با تکیه بر مبنای حکمت متعالیه، با در نظر گرفتن حکمت عملی صورت می‌گیرد و صرفاً منحصر به حکمت نظری نیست؛ بنابراین شامل قلمرو اخلاق و عدالت اجتماعی نیز خواهد شد (برای گزارشی از این تلاش بنگرید به: قائمی‌نیک، ۱۴۰۱).

منابع

1. اشتراوس، لئو، فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
2. دورکم، امیل، صور بنیادین حیات دینی، ترجمه باقر پیرهام، تهران: مرکز، ۱۳۸۳.
3. طباطبائی، [اعلامه] سیدمحمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با حواشی مرتضی مطهری، پنج جلد، چاپ چهارم، قم، ۱۳۶۶.
4. قائمی‌نیک، محمدرضا، «حکمت جامعه و تاریخ از منظر حکمای نوسداری»، علامه طباطبائی و شهید مطهری، مجله نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۱۲، شماره ۲، ۱۴۰۱.
5. کالینیکوس، الکس، درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، ترجمه اکبر معصوم‌نیک، تهران: آگه، ۱۳۷۳.
6. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، منتشرشده در: مجموعه آثار شهید مطهری، جلد دو، قم: صدرا، ۱۳۸۰.
7. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، منتشرشده در: مجموعه آثار شهید مطهری، جلد سیزده، قم: صدرا، ۱۳۸۰.
8. ویر، ماکس، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: مرکز، ۱۳۸۲.
9. Durkheim, Emile, *Sociology and Philosophy*, tr. by D. F. Poccock, Routledge, 2009.
10. Marx, Karl, *Capital: A Critique of Political Economy*, vol. 1, translated by Ben Fowkes, London, Penguin Books, 1976.

۴۲۵

برداشت اول

شماره ۴ و ۵ • بهمن و اسفند ۱۴۰۱